



حال خوب زیارت

دست، توی دست مادرم
بین جمع زائران
می روم دوباره تا حرم
دیدن امام مهربان

از میان کوچه های شهر
پیش می روم قدم قدم
ذره ذره دیده می شود
گنبد طلایی حرم

چند تا کبوتر سفید
چرخ می زنند در هوا
زیر لب سلام می دهم
رو به سمت گنبد طلا

می رسمیم روبه روی صحن
کوچه ها که می شود تمام
جان من دوباره تازه می شود
لحظه ی زیارت امام

